



تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه بر اساس نظریه کنش‌گفتاری «سرل»

علی نجفی ایوکی^۱، امیرحسین رسول‌نیا^{۲*} و علیرضا کاوه نوش‌آبادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۳

چکیده

نظریه «کنش‌گفتاری» یکی از مباحث مهم تحلیل‌گفتمان در حوزه دانش زبان‌شناسی به‌شمار می‌رود که در آغاز توسط «آستین» مطرح شد و پس از او، «سرل» طبقه‌بندی پنج‌گانه‌ای را برای آن ارائه داد. پایه نظریه کنش‌گفتاری سرل بر این استوار است که نقش‌های فعل و به‌دنبال آن جمله را در فرآیند گفتمان می‌توان به پنج دسته کنش‌های اظهاری، عاطفی، ترغیبی، تعهدی و اعلامی تقسیم‌بندی کرد. بررسی و تحلیل متن‌شناسی متون دینی از جمله قرآن کریم و نهج‌البلاغه، براساس این نظریه می‌تواند یکی از راه‌های درک و شناخت بهتر لایه‌های پنهان این کتب دینی باشد. خطبه شقشقیه یکی از خطبه‌های مهم نهج‌البلاغه است که علاوه بر دربر داشتن آموزه‌ها و عبرت‌های دینی و اخلاقی، از شاکله نیرومندی در بعد زبانی برخوردار است. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با روش توصیفی و تحلیل محتوا و بافت موقعیتی متن و با بهره‌گیری از روش آماری، خطبه یادشده را بر اساس این نظریه مورد بررسی قرار دهد تا کنش‌های گفتاری و دلایل آن را تحلیل و تبیین نماید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که کنش‌گفتاری اظهاری در این خطبه از بیشترین بسامد برخوردار است؛ چرا که امام(ع) به‌طورکلی در خطبه، به دنبال بیان کردن، شرح و گزارش دادن ماجرای تاریخی سقیفه می‌باشد و بر این امر اصرار دارد که حکومت حق ایشان بوده که غضب شده است؛ بنابراین کنش‌گفتاری اظهاری با هدف و مقصود گوینده سخن در خطبه متناسب و همگون است.

کلیدواژه‌ها: حضرت علی(ع)، خطبه شقشقیه، تحلیل گفتمان، نظریه کنش‌گفتاری، سرل.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان.

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان.

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

در راستای متن‌شناسی یک متن و واکاوی و تحلیل آن بر اساس نظریه کنش گفتاری ناگزیر می‌بایست به «تحلیل گفتمان»^۱ اشاره شود؛ زیرا نظریه یادشده، زیرمجموعه آن قرار می‌گیرد. تحلیل گفتمان نوعی مطالعه میان‌رشته‌ای به شمار می‌رود که ریشه در زبان‌شناسی همگانی داشته و رفته رفته در دیگر علوم چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، هنر و ادبیات نیز راه یافته است و در هر یک از آن‌ها کاربرد دارد. سخنان وزین امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در کتاب پربار «نهج‌البلاغه» به‌عنوان یک گفتمان مذهبی و دینی، علاوه بر اهداف تربیتی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی حاوی فصاحت و شیوایی زبانی منحصربه‌فردی است که همواره می‌تواند کام‌تشنه پژوهشگران و ناقدان زبان و ادبیات را سیراب نماید.

۱-۱. بیان مسئله

گفتمان مجموعه پیچیده‌ای از رفتارهای زبانی به هم مرتبط و پی‌درپی است که به‌صورت نمونه‌های نوشتاری، گفتاری و نشانه‌شناختی تجلی می‌یابد و به لحاظ مضمون و درون‌مایه به هم مرتبط و به انواع خاص گونه‌ها وابسته‌اند (وداک، ۲۰۰۱: ۶۶). تحلیل‌گران گفتمان بر این باورند که گفتمان، شکلی از کاربرد زبان است. به اعتقاد «دومینیک منگونو»^۲ هر عمل زبانی دارای یک «ویژگی هدفدار» است (۱۹۹۶: ۱۵). امروزه سخن‌کاوی یا همان تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌بندی معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی و برون‌زبانی بررسی می‌کند (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۰). در کاربردشناسی زبان، معنای جملات در فضا و محیطی که جمله‌های زبان در آن تولید می‌شوند مورد بررسی و کاوش قرار می‌گیرد؛ از این‌رو، توجه و درنظرگرفتن بافت‌های مختلف مکانی، زمانی، اجتماعی، تاریخی، ادبی و ... نیز به‌عنوان عناصر برون‌زبانی در کنار عناصر درون‌زبانی می‌تواند در تحلیل یک متن بسیار مؤثر افتد.

یکی از نظریات مطرح در حوزه علم کاربردشناسی زبان (پراگماتیسیم)^۳ و معناشناسی^۴ که در تحلیل گفتمان کاربرد دارد و می‌تواند زمینه‌های فهم بیشتر معنا و تفسیر متون و ازجمله متون دینی را فراهم آورد «نظریه کنش گفتاری»^۵ است. به اعتقاد «پات»^۶ از آن‌جا که نظریه «کنش گفتاری» ما را وامی‌دارد تا همه متن‌ها را به‌عنوان کنش در نظر بگیریم، متن‌های مذهبی نیز باید به‌عنوان کنش‌های دینی محسوب شوند (پات، ۱۹۸۸: ۹۲) این نوع نگاه به متن به‌عنوان کنش، به متخصصان متون مذهبی این امکان را داده است تا ماهیت دینی این متون را به شکل نظام‌مندتری تفسیر کنند (بوتا، ۱۹۹۱: ۳۰۰).

-
1. Discourse Analysis
 2. Maingueneau, Dominique
 3. Pragmatics
 4. Semantics
 5. Speech Act Theory
 6. Patte

اصل اساسی نظریه کنش گفتاری آن است که هیچ مکالمه‌ای در خلأ رخ نمی‌دهد. شناخت و توجه به بافت^۱ ضروری است. در تحلیل و تفسیر کنش‌های گفتار هر متنی، توجه به بسترهای اجتماعی، تاریخی و ادبی آن متن اهمیت بسیاری دارد. این دیدگاه مخالف برخی دیدگاه‌های نقدی نوین یا ساخت‌گرایی فرانسوی است که متن را بدون در نظر گرفتن بافت گفتمانی و اجتماعی آن بررسی می‌کنند. چنین نگاهی در مطالعه متون مذهبی از اهمیت بسیاری برخوردار است (معصوم و رادمرد، ۱۳۹۴: ۱۴۲)؛ باس^۲ بر این باور است که «در برخی دوره‌ها مطالعه متون مقدس که مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر رویکردهای فوق‌الذکر بوده‌اند، همانند آن‌ها حقایق فرازبانی حاکم بر متن را نادیده گرفته‌اند؛ بدین ترتیب نظریه کنش گفتاری می‌تواند این اشکال را برطرف نماید» (باس، ۱۹۸۸: ۱۲۶).

۱-۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع مورد بررسی، باید اشاره شود که پژوهش‌هایی چند در این حوزه صورت گرفته است که در این مجال، ذکر مهم‌ترین آن‌ها که با تکیه بر تحلیل گفتمان نهج‌البلاغه براساس نظریه کنش گفتاری صورت گرفته است، ضروری می‌نماید:

«تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج‌البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری» نوشته سیده مریم فضالی و محمد نگارش؛ «مقایسه و تحلیل متن‌شناسانه عهدنامه مالک اشتر و خطبه غراء براساس نظریه کنش گفتار» نوشته عاطفه خدایی ليقوان و زینب عرب‌نژاد؛ «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه ششقیه براساس الگوی فرکلاف» از احمد رضایی؛ «تحلیل خطبه ۱۶ نهج‌البلاغه براساس نظریه کنش گفتاری سرل» نوشته حسن مقیاسی و راضیه گونه فراهانی؛ «تحلیل متن‌شناسی سوره بقره براساس نظریه کنش گفتار» از آمنه زارع و سحر زرگری؛ «بررسی سبک‌شناسی سوره عبس از دیدگاه سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو» از محمد جرفی و عباد محمدیان؛ «تأثیر بافت زمانی- مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم» به نگارش سید محمد حسینی معصوم و عبدالله رادمرد؛ «بررسی کنش‌های گفتار در خطبه یکصد و یازدهم نهج‌البلاغه»، نوشته بهزاد قنسولی.

با نگاهی به پژوهش‌های حاضر مشخص می‌شود که تاکنون پژوهشی مستقل در خطبه سوم نهج‌البلاغه یا همان «ششقیه»، براساس نظریه کنش گفتاری، صورت پذیرفته است؛ لذا بررسی و تحلیل خطبه حاضر از منظر یادشده می‌تواند خوانش و تحلیلی نو و متفاوت از متن خطبه را پیش روی مخاطب قرار دهد.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

نهج‌البلاغه با در برداشتن برجستگی‌های زبانی و ادبی به مثابه یکی از نمونه‌های عالی متون دینی، همواره مایه پژوهش‌های زبانی و ادبی بوده، چرا که صرف‌نظر از محتوای متعالی و دینی آن، اهل ذوق را

1. Context

2. Buss

شیفته بیان و اسلوب خود ساخته است. از این‌رو، پژوهش بر روی برجستگی‌های زبانی نهج‌البلاغه ضروری می‌نماید تا بیش از پیش، نهفته‌ها و زیبایی‌های آن جلوه نما شود. پژوهش حاضر می‌تواند مورد استفاده مفسران، صاحب‌نظران در حوزه نهج‌البلاغه، دانشجویان رشته الهیات به‌ویژه گرایش نهج‌البلاغه و دانشجویان زبان و ادبیات عربی و دیگر زبان‌پژوهان و ادب‌دوستان قرار بگیرد.

در پرتو آنچه که بیان شد، پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌های اساسی است که: متن خطبه «شقیقه»ی امیر مؤمنان به‌عنوان یک گفتمان، براساس این نظریه چگونه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد؟ کدام‌یک از انواع کنش‌های گفتاری در آن از فراوانی بیشتر برخوردار است؟ دلایل بسامد بالا یا پایین کنش‌های گفتاری در سطح خطبه کدام است و تا چه حد با روح خطبه همخوانی دارد؟ پژوهش حاضر می‌کوشد با روش توصیفی و تحلیل محتوا و بافت موقعیتی متن و با بهره‌گیری از روش آماری، خطبه یاد شده را براساس نظریه کنش گفتاری سرل به‌عنوان یک تحلیل گفتمان زبانی مورد بررسی و واکاوی قرار دهد تا تبیین شود کدام‌یک از کنش‌های گفتاری دارای بسامد بالاتر بوده و کدام‌یک از کمتری در سطح خطبه برخوردار می‌باشد و دلیل یا دلایل آن کدام است.

۲. بحث

۲-۱. جستاری در نظریه کنش گفتاری

نظریه کنش گفتاری از نظر قلمرو به حوزه فلسفه زبان تعلق دارد؛ فلسفه زبان شاخه‌ای از فلسفه است که جنبه‌های عام و کلی زبان را توصیف و تبیین می‌کند. این جنبه‌های عام و کلی مسائلی‌اند که اختصاص به زبان خاصی ندارند، بلکه نسبت به هر زبانی صادق‌اند. مسأله صدق، حکایت، معنا و ضرورت و مسائلی از این دست موضوع مطالعه فلسفه زبان هستند (سرل، ۱۳۸۵: ۲۱-۲۰). به‌طور کلی، این نظریه به نقش‌های فعل و به‌دنبال آن، جمله در فرآیند گفتمان می‌پردازد؛ نخستین کسی که به این موضوع پرداخت «آستین»^۱ چهره انگلیسی‌تبار و مطرح فلسفه زبان بود. آستین در این نظریه مطرح نمود که مقدار قابل توجهی از گفتار و نوشتار ما یا عین عمل هستند و یا بخشی از عمل می‌باشند. این نوع از گفتار یا نوشتار حاوی افعالی هستند که آن‌ها را افعال کنشی می‌نامیم (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

آنچه که آستین را به تدوین نظریه «کنش گفتاری» واداشت، مخالفت وی با سفسطه‌ای بود که در دیدگاه «پوزیتیویسم منطقی»^۲ نسبت به مسأله معناداری مطرح شده بود. براساس آن سفسطه، تنها کارکرد فلسفی زبان، ساختن جمله‌های صادق یا کاذب بود؛ اثبات‌گرایان^۳ مدعی بودند اگر نتوان جمله‌ای را در اساس، به لحاظ صدق و کذب مورد ارزیابی قرار داد، آن جمله بی‌معناست (لویسون، ۱۹۸۳: ۲۲۷)؛ بنابراین آستین، به سبب تلاش‌های فراوان در مقابله با آن‌ها و ارائه الگویی مناسب در این خصوص،

1. Austin
2. Logical Positivism
3. Positivists

بنیان گذار این نظریه قلمداد می‌شود. وی پس از بررسی و مطالعه بسیار در این حوزه، در نهایت سه سطح متفاوت از افعالی که انسان هنگام سخن گفتن انجام می‌دهد، ارائه نمود:

الف- کنش بیانی^۱: اظهار عبارتهایی که معنا و مصداق ندارند؛

ب- کنش منظوری^۲: گوینده از اظهارات خود مقصود خاصی دارد؛

ج- کنش تأثیری^۳: کلام معنادار در شنونده تأثیر خاصی می‌گذارد (پایا، ۱۳۸۳: ۴۴۰).

نظریه آستین به‌رغم تلاش‌های بی‌شائبه وی در این خصوص، با اشکالاتی روبه‌رو بود. از این‌رو تلاش‌های زیادی پس از آن، جهت اصلاح دیدگاه آستین و ارائه تقسیم‌بندی مناسب‌تر برای آن انجام گرفت؛ مهم‌ترین آن‌ها که با مقبولیت بیشتری نسبت با بقیه، مواجه شد تقسیم‌بندی «سرل»^۴ بود؛ به اعتقاد وی، مطالعه کنش گفتاری مبتنی بر ظرفیت‌های اساسی ذهن است که از رهگذر حالت‌های ذهنی همچون باور، تمایل، نظایر و به‌ویژه از طریق عمل و ادراک آن، رابطه ارگانسیم را با جهان برقرار می‌کند (سرل، ۱۹۸۳: ۷). این استاد آمریکایی و مشهور فیلسف زبان - که نزد آستین نیز شاگردی کرده بود- در جهت رفع اشکالات نظریه مذکور برآمد و در مجموع دسته‌بندی پنج‌گانه‌ای را برای کنش‌های گفتاری ارائه نمود:

«کنش اظهاری^۵، کنش ترغیبی^۶، کنش تعهدی^۷، کنش عاطفی^۸ و کنش اعلامی^۹» (سرل، ۱۹۷۵:

۳۶۹-۳۴۴).

هدف از «کنش اظهاری» توصیف حالت یا حادثه‌ای است که گوینده عقیده خود را درباره درستی و نادرستی (صدق و کذب) یک مطلب اظهار می‌کند. این کنش، تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده نشان می‌دهد (صفوی، ۱۳۸۷: ۸۲) به عبارت دیگر در این کنش، گوینده، ادعای صادق بودن عبارت بر زبان جاری شده را دارد.

به‌طور کلی اظهارات، ادعاها، نتیجه‌گیری‌ها، بیانات، تأکیدات، توصیفات و ابراز حقایق و مانند این‌ها که گوینده در آن، جهان خارج را آن‌گونه که باور دارد به تصویر می‌کشد، دارای کنش اظهاری است (باربر و استینتون، ۲۰۱۰: ۷۰۹) (یول، ۱۹۹۶: ۵۳) به‌عنوان مثال عبارت‌هایی چون «من هرگز به اروپا نرفتم» و «فردا هوا بارانی است» دارای کنش اظهاری هستند.

گفتنی است افعال کنش اظهاری شامل تأیید کردن، دلیل آوردن، معرفی کردن، توصیف کردن، تفسیر کردن، شرح دادن، تغییر فعالیت دادن، بخشیدن، نفی کردن، اعتراض کردن، نقد کردن، محدود کردن، رها

1. Locutioary Act
2. Illocutionary Act
3. Prelocutionary
4. Searle
5. Representative / Assertive Act
6. Directive Act
7. Commissive Act
8. Expressive Act
9. Declarative Act

نمودن، ابراز کردن، ادعا کردن، بحث کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تصریح کردن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، گفتن، گزارش دادن و... است (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۸).

«کنش ترغیبی» به آن دسته از کنش‌های گفتاری اطلاق می‌شود که مخاطب را جهت انجام کاری ترغیب می‌کند و او را در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی قرار می‌دهد. گوینده سعی می‌کند کاری کند که چیزهایی انجام شود و جهان را با محتوای گزاره‌ای که شامل عمل آتی شنونده است تطبیق دهد (یول، ۱۹۹۶: ۵۴). به‌عنوان مثال عبارت‌های «لطفاً سکوت را رعایت کنید» و «مبادا این دارو را مصرف کنی» دارای کنش ترغیبی است. این کنش، خواست‌ها و تمایلات گوینده را بیان می‌کند. نمونه بارز کنش ترغیبی را می‌توان در پرسش‌ها و درخواست‌ها مشاهده کرد. افعال کنش ترغیبی شامل: خواستن، توانستن، بایستن و لازم بودن، دستور دادن، دعوت کردن، اجازه دادن، سؤال کردن، بازخواست کردن، اطلاعات درخواست کردن، توضیح خواستن، تقاضا کردن، درخواست اثبات کردن، توصیه کردن، پیشنهاد کردن، القا کردن، هشدار دادن، به مبارزه طلبیدن، تکرار کردن، دوباره راه انداختن، اصرار و پافشاری کردن، اختطار دادن، اعلام نیاز کردن، به مبارزه طلبیدن، توصیه کردن، شرط گذاشتن، نصیحت کردن، التماس و تمنا کردن است (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۸).

«کنش تعهدی» شامل کنش‌های گفتاری می‌شود که گوینده را نسبت به سیر اعمال آتی متعهد می‌کنند (آلام، ۱۳۸۲: ۲۰۶). به عبارت دیگر، توان منظوری این کنش آن است که گوینده خود را متعهد می‌سازد تا عملی را در آینده انجام دهد (سرل، ۱۹۹۹: ۱۴). افعالی چون قسم خوردن، تعهد دادن، پیشنهاد دادن، قول دادن، توجیه و ثابت کردن و ضمانت کردن نمونه‌هایی از این کنش گفتاری هستند.

«کنش عاطفی» نیز شامل کنش‌هایی هستند که احساسات گوینده را عنوان می‌کنند و بیانگر حالات روانی هستند (یول، ۱۹۹۶: ۵۳) به دیگر بیان، این کنش‌ها بیان حالت روانی گوینده درباره اوضاع و شرایطی است که در محتوای گزاره‌ای مشخص شده است. در این نوع کنش گوینده نه تلاش می‌کند تا جهان بیرون را با کلماتی که بیان می‌کند مطابقت دهد و نه کلمات بیان شده را با جهان بیرون؛ بلکه صدق و حقیقت گزاره بیان شده بدیهی و مسلم فرض می‌شود (سرل، ۱۹۹۹: ۱۵). «ممنونم»، «از این که عزیزتان را از دست دادید متأسفم» عبارت‌هایی هستند که کنش گفتاری آنها بر عاطفه و احساس دلالت دارد. از جمله افعال مرتبط با این کنش را می‌توان تبریک گفتن، سپاس‌گزاری کردن، عذرخواهی کردن، تمجید کردن، اظهار تأسف کردن، هجو کردن، سلام دادن، تحسین کردن، سرزنش کردن، خشنود کردن، دشنام دادن، اهانت کردن، تعجب کردن، تشکر کردن، شکایت کردن، خشمگین شدن، خشمگین کردن، ناسپاسی کردن، ناامید شدن و ... عنوان کرد.

«کنش اعلامی» نیز شامل کنش‌های گفتاری است که به محض بیان آن‌ها، در جهان بیرون تغییراتی واقعی ایجاد می‌شود (سرل، ۱۹۹۹: ۱۷) از آن‌جا که مؤثرترین این کنش‌ها وابسته به نهادهای اجتماعی و قانونی است، می‌توان آن‌ها را کنش‌های «نهادینه» نامید. در چنین کنشی گوینده با بیان جمله در جهان خارج تغییر ایجاد می‌کند یعنی بین محتوای گزاره‌ای جمله و جهان خارج انطباق ایجاد می‌کند (هوانگ،

۲۰۰۶: ۷۰۹) افعال کنش اعلامی شامل انتصاب کردن، اعلام نمودن، آغاز کردن، پایان دادن، نام‌گذارن، به‌کار گماردن، محکوم کردن، تحریک کردن، عقد ازدواج درآوردن و ... می‌شود. به‌عنوان مثال عبارت «من شما دو نفر را به عقد یکدیگر درمی‌آورم» داری کنش اعلامی است.

این پنج کنش گفتاری ارائه شده از سوی سرل به «پنج‌گانه سرل» معروف است. به گفته «ورشورن»^۱ طبقه‌بندی سرل مؤثرترین طبقه‌بندی ارائه شده تاکنون است؛ زیرا طبقات به هیچ وجه انحصاری نیستند به‌گونه‌ای که یک پاره‌گفتار می‌تواند انواع مختلفی از کنش را در برداشته باشد (ورشورن، ۲۰۰۳: ۲۴).

ناگفته نماند که در این نظریه، پاره‌گفتار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به‌طوری‌که بیشتر زبان‌شناسان در تجزیه و تحلیل کلام، پاره‌گفتار را به‌عنوان واحد تحلیل به‌کار می‌برند (کریستال، ۱۹۸۵: ۳۲۲)؛ هرچند تعریف جامع و مانعی از پاره‌گفتار بیان نشده است؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد، پاره‌گفتار قطعه‌ای کوتاه یا بلند از زبان است که معنای آن حاصل تعامل زبان و بافت تولید آن است. این دیدگاه، انعطاف پژوهشگر را در تحلیل فرآیند ارتباطی در متن افزایش می‌دهد؛ چرا که از منظر کنش‌های گفتار می‌تواند یک کلمه، یک گفتمان کامل یا اثر ادبی باشد؛ اما اصول تحلیل یک پاره‌گفتار تک‌جمله‌ای و یک قطعه طولانی یکسان است، بنابراین می‌توان بخشی از یک متن را انتخاب و تحلیل کرد (بوتا، ۱۹۹۱: ۲۹۵).

۲-۲. تحلیل کنش‌های گفتاری خطبه براساس طبقه‌بندی سرل

همان‌طور که بیان شد توجه به بافت‌های مختلف تاریخی، اجتماعی، زمانی و مکانی و ... در تحلیل متن بسیار مؤثر است. از این‌رو ابتدا به این مهم در خطبه پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. نگاهی به بافت تاریخی، مکانی و زمانی خطبه

خطبه سوم نهج‌البلاغه به «ششقیه» معروف است؛ علت این نام‌گذاری به عبارت پایانی خطبه بازمی‌گردد؛ ابن‌عباس درخواست ادامه کلام را از امام دارد حضرت در پاسخ می‌فرماید «تلک ششقیة هدرت ثم قرّت» (شعله آتشی بود که از دل برکشید و سپس فرونشست) (نهج‌البلاغه، خطبه ۳: ۵۰) «هاشمی خویی» در مورد نام خطبه در کنار ششقیه بیان می‌کند: «چه بسا این خطبه به «مقصه» نیز شناخته شود» (هاشمی خویی، ۱۳۵۸: ۳۴۵/۲)؛ علت آن را هم این‌گونه یادآور می‌شود همان‌طور که برخی سوره‌های قرآن مشهورترین و مهم‌ترین لفظ به‌کار بسته شده، عنوان سوره قرار گرفته است مانند برگزیده شدن «بقره» برای دومین سوره قرآن، در این خطبه نیز، واژه مقصه از عبارت آغازین آن گرفته شده است «لقد تمصها فلان» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳: ۴۶) (ابوبکر- لباس خلافت را بر تن کرد) (هاشمی خویی، ۱۳۵۸: ۳۴۵/۲).

به گواهی پژوهشگران، خطبه ششقیه از مهم‌ترین خطبه‌های نهج‌البلاغه است و چون مسائل مربوط به خلافت بعد از رسول خدا(ص) را بی‌پرده شرح می‌دهد از این رو نیز برای گروهی جنجال‌برانگیز شده

است. نکته‌هایی در این خطبه وجود دارد که در هیچ‌یک از خطبه‌های نهج‌البلاغه نیست و در عین کوتاهی، یک دوره تاریخ اسلام مربوط به عصر خلفای نخستین در آن خلاصه شده است. تحلیل‌های دقیق و جالبی دارد که برای صاحب‌نظران، بسیار قابل مطالعه است و نکاتی در آن دیده می‌شود که در هیچ جای دیگر دیده نخواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۱۸/۱).

زمان صدور خطبه در میان شارحان نهج‌البلاغه مورد گفت‌وگوست؛ برخی مانند «محقق خویی» معتقدند: از محتوای خطبه و همچنین اسناد و طرق آن استفاده می‌شود که حضرت این سخنان را در اواخر عمر شریفشان بعد از ماجرای جنگ «جمل و صفین و نهروان» و پیکار با «ناکثین و قاسطین و مارقین» ایراد فرموده و البته محتوای خطبه نیز این نظر را تأیید می‌کند؛ اما درباره مکان ایراد خطبه نیز باید گفت: جمعی از شارحان نهج‌البلاغه از ذکر مکان صدور خطبه سخنی به میان نیاورده‌اند، ولی برخی معتقدند که امام(ع) آن را بر فراز منبر «مسجد کوفه» ایراد فرموده و «ابن عباس» می‌گوید: «امام(ع) آن را در «رحبه» ایراد فرمود و این در موقعی بود که سخن از مسأله خلافت به میان آمد، طوفانی در قلب مبارک امام(ع) برخاست و این سخنان را ایراد فرمود» (همان: ۳۱۹).

به هر روی، در خطبه مذکور، امام از جریان جانشینی رسول خدا(ص) شکایت می‌کند و ویژگی‌ها و رفتار خلفاء و شرایط اجتماعی حکومت و آثار خلافت آنان را بیان می‌دارد (طالقانی، ۱۳۷۴: ۱۳۵). به‌طور کلی می‌توان گفت حضرت امیر در این خطبه، ابتدا زبان به شکوه در امر خلافت و سپس ترجیح صبر و شکیبایی در برابر آن و پس از آن بیعت مردم با خود، گشوده است.

مکارم شیرازی، در کتاب خود در این باره این‌گونه می‌نویسد: «این خطبه در تمام فرازهایش از مسأله خلافت بعد از پیامبر اسلام(ص) سخن می‌گوید و مشکلاتی را که در دوران خلفا به وجود آمد در عبارات کوتاه و پرمعنی و بسیار داغ و مؤثر شرح می‌دهد و با صراحت، این حقیقت را بیان می‌کند که بعد از رسول خدا(ص) او، از همه شایسته‌تر برای این مقام بود و شدیداً تأسف می‌خورد که چرا خلافت از محور اصلی تغییر داده شد. در پایان خطبه، داستان بیعت مردم را با خودش شرح می‌دهد و اهداف پذیرش بیعت را در جمله‌های بسیار زیبا و الهام‌بخش بیان می‌فرماید» (۱۳۷۵: ۳۲۲/۱).

باری، حضرت با اسلوب و زبانی خاص که شامل عبارات‌های کوتاه اما پرمفهوم است، سعی در به تصویر کشیدن وقایعی تاریخی دارد. اکنون این عبارات‌ها، گفتارها و پاره‌گفتارها با توجه به الگوی ارائه شده سرل در مورد کنش گفتاری مورد واکاوی قرار می‌گیرد تا مشخص گردد کدام کنش گفتاری از درصد فراوانی بیشتری برخوردار بوده و چرا چنین است؟

۲-۲-۲. تحلیل خطبه

پیش از پرداختن به تحلیل، ذکر این نکته لازم می‌آید با توجه به این که بررسی و تحلیل کل پاره‌گفتارهای این خطبه از مجال این پژوهش خارج است بنابراین به صورت گزینشی مهم‌ترین آن‌ها مورد نقد و تحلیل قرار می‌گیرد، اما کنش‌های گفتاری بقیه پاره‌گفتارهای خطبه در قالب نمودار ارائه می‌شود.

✓ «أَمَا»

در آغاز خطبه، با عبارت «أَمَا» روبه‌رو می‌شویم، این پاره گفتار همانند حرف تنبیه «أَلَا» حرف استفتاحیه است که معنای هشدار دادن از آن استنباط می‌شود و جایگزین فعل «انتبهوا» است بنابراین کنش گفتاری این پاره گفتار، کنش ترغیبی است. بدین معنا که حضرت سعی دارد مخاطب را که همان مردم باشند متوجه کلام خود کند. لذا با عبارت مَتَّبِهَانَهُ «أَمَا» آغاز می‌کند.

✓ «وَاللَّهِ»

قرار گرفتن «واو» که یکی از سه حروف قسم «ت، ب، و» در زبان عربی به‌شمار می‌رود، در کنار «الله» اسلوب قسم را تشکیل داده است؛ یعنی در حقیقت عبارتی چون «أقسم بالله» از این قسم استنباط می‌شود؛ سوگند یاد کردن، دلالت بر کنش گفتاری تعهدی در این پاره گفتار دارد.

✓ «لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فُلَانٌ»

«ها» در این عبارت به «خلافت» بازمی‌گردد، منظور از فلان در این عبارت «ابوبکر پسر أبو قحافه، خلیفه اول» است و به‌طور کلی معنا و مقصود علی(ع) آن است که (ابوبکر لباس خلافت را بر تن کرد)؛ در این عبارت، حضرت سعی در گزارش دادن یک واقعه تاریخی دارد که با عبارت تأکیدی «لقد» نیز همراه شده است؛ و همان‌طور که بیان شد گزارش دادن و تأکیدات دال بر کنش اظهاری است.

✓ «وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ»

کنش گفتاری این عبارت نیز، اظهاری است؛ زیرا حضرت بر این باور است و ادعای صدق این گفتار را دارد که «ابوبکر» به قطع و یقین می‌دانست. اسمیه بودن و حرف تأکید «إِنَّ»، گواه همین امر است.

✓ «أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى»

کنش گفتاری این پاره گفتار اظهاری است؛ چرا که گوینده مدعی است جایگاه ایشان نسبت به حکومت و خلافت همچون محور سنگ آسیاب و خود آسیاب است؛ بنابراین امام، با عبارتی ادیبانه مدعی آن است حکومت حق ایشان بوده است و نه دیگری.

✓ «يُنَحْدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ»

در این پاره گفتار نیز حضرت زبان به بیان ویژگی‌های خود گشوده و به این نکته اشاره می‌کند که «سبیل (علم و معرفت) از من سرازیر می‌شود، هیچ پروازی به بلندای پرواز من نیست». توصیف کردن و عبارتهای ادعایی از جمله کنش‌های اظهاری به‌شمار می‌روند.

✓ «فَيَا لَلَّهِ وَ لِلشُّورَى»

این عبارت براساس اسلوب تعجب در زبان عربی ایراد شده است، تعجب و شگفتی بر عاطفی بودن کنش گفتاری این پاره گفتار دلالت دارد و در واقع اصل عبارت بدین صورت بوده و یا حامل این مفهوم

می‌باشد «أتعجب من الشوری». در این عبارت، در کنار تعجب، امام زبان به تشریح می‌گشاید؛ آن چه که امام در ادامه و پایان همین فراز به آن اذعان دارد و می‌فرماید: «فَصَعَا رَجُلٌ مِنْهُمْ لِضِعْفِهِ وَ مَالٌ الْآخَرُ لِصِهْرِهِ» (در آن شورا یک نفر^۱ به خاطر کینه‌ای که در دل داشت به من رأی نداد و دیگری^۲ به برادرزنش^۳ تمایل نشان داد) لذا کنش گفتاری این عبارت اظهاری است؛ زیرا گوینده سخن به تبیین و تشریح پرداخته است.

✓ «مَتَى اعْتَرَضَ الرَّيْبُ فِيَّ مَعَ الْأَوَّلِ مِنْهُمْ حَتَّى صِرْتُ أَقْرَنُ إِلَى هَذِهِ النَّظَائِرِ»

امام می‌فرماید: در کدامین زمان فضیلت و برتری من نسبت به خلیفه اول (ابوبکر) مورد تردید بود که حال بخوام با این‌ها کنار هم قرار بگیرم! همچنان که از متن برمی‌آید حضرت از این که کسی با برداشتی نادرست و نابجا، فضل و برتری والای وی را نسبت به این و آن هم‌مطراز و قابل قیاس بداند سخت در شگفت است و با ارائه سخن در قالب استفهام، آن گز فهم یا گز فهمان را به خاطر این گمان ناروا توییخ و سرزنش می‌کند. لذا سخن استفهام تعجبی توییخی است.

از این پاره‌گفتار، کنش‌های ترغیبی و عاطفی را می‌توان استنباط کرد؛ زیرا پرسش‌ها به‌طور عام جزء کنش‌های ترغیبی بوده و تعجب کردن و نیز سرزنش کردن از جمله موارد کنش عاطفی می‌باشد.

✓ «إِلَى أَنْ أَنْتَكْتَ عَلَيْهِ فُتْلُهُ وَأَجْهَزَ عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَ كَبَتْ بِهِ بِطْنَتُهُ»

در این عبارت، امیر بیان از سرنوشت خلافت عثمان سخن بر زبان رانده و بیان می‌دارد وضع او به‌گونه‌ای شد - آن قدر اسراف کرد- که آن چه رشته بود از هم گسست و کردارش کار او را ساخت و شکم‌بارگی‌اش او را بر زمین زد. در این عبارت، گوینده سخن در صدد تبیین حالت شخصی است لذا آن را باید در زمره کنش گفتاری اظهاری به‌شمار آورد.

✓ «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بُوْجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُعَارُوا عَلَى كِطَّةٍ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيهَا وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ»

حضرت در این فراز از خطبه می‌فرماید: اگر نبود حضور مردم و تمام بودن حجت بر من به جهت وجود یاور و پیمانی که خداوند از آگاهان گرفته که در برابر شکم‌بارگی ستم‌کاران و گرسنگی ستم‌دیدگان ساکت ننشینند، بی‌تردید مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می‌افکندم و پایان آن را همچون آغازش با پیاله تهی سیراب می‌کردم. از متن چنین برمی‌آید که صاحب سخن بر آن است تا دلایل به دست گرفتن زمام امور مسلمین را برشمارد. دلیل آوردن، دلیلی بر اظهاری بودن کنش گفتاری یک پاره‌گفتار است.

۱. منظور «سعد بن ابی وقاص» است.

۲. مقصود «عبدالرحمن عوف» است که در آن شورا به اصطلاح «حق و تو» داشت.

۳. مراد، خلیفه سوم «عثمان» است که عبدالرحمن عوف شوهر خواهر او بود.

✓ «أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنَزٍ»

این پاره‌گفتار گویای اظهاری بودن کنش گفتاری آن است؛ چرا که صاحب سخن به تفسیر دنیا و پست بودن آن نزد خود اشاره دارد و بیان می‌دارد که این دنیای شما از آب بینی بزغاله‌ای نزد من پست‌تر است. در ادامه به کنش‌های گفتاری دیگر پاره‌گفتارهای خطبه به‌طور خلاصه اشاره می‌گردد:

جدول ۱: تعیین کنش‌های گفتاری در برخی از پاره‌گفتارهای خطبه

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
۱	وَ إِنَّهُ لَيَعْلَمُ (او قطعاً می‌داند)	اظهاری	(تأکید کردن)
۲	فَرَأَيْتُمْ (پس دانستم)	اظهاری	(نتیجه گرفتن)
۳	فَصَبَّرْتُ (صبر پیشه ساختم)	اظهاری	(بیان کردن یا توصیف حال خود)
۴	وَ فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا (در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلو داشتم)	عاطفی	(بیان ناراحتی)
۵	أَرَى تُرَائِي نَهْبًا (میراثم را به غارت رفته می‌دیدم)	اظهاری / عاطفی	(ادعا کردن) / (تأسف و ناراحتی)
۶	حَتَّى مَضَى الْأَوَّلُ لِسَبِيلِهِ (تا این‌که خلیفه اول، به راه خود رفت)	اظهاری	(شرح دادن)
۷	فَأَدَّتْ بِنَا بَعْدَهُ (و خلافت را به پسر خطاب سپرد)	اظهاری	(بیان کردن یا شرح دادن گوینده)
۸	فَيَا عَجَبًا (شگفتا)	عاطفی	(اظهار تعجب)
۹	بَيْنَمَا هُوَ يَسْتَقِيلُهَا فِي حَيَاتِهِ (ابوبکر در حیات خود از مردم می‌خواست عذرش را بپذیرند)	اظهاری	(شرح دادن)
۱۰	إِذْ عَقَدَهَا لِأَخْرَبَعْدَ وَقَاتِهِ (چون در هنگام مرگ، خلافت را به عقد دیگری در آورد)	اظهاری	(بیان کردن یا شرح دادن گوینده)
۱۱	لَشَدَّ مَا تَشَطَّرَا ضَرْعِيَّهَا (آن دو خلافت را مانند دو پستان شتر بین خود تقسیم کردند)	اظهاری	(شرح دادن)
۱۲	فَصَبَّرَهَا فِي حَوْزَةِ حَشْنَاءَ (اولی خلافت را در ناحیه‌ای خشن و سنگلاخ قرار داد) (یعنی ابوبکر حکومت را به دست عمر سپرد)	اظهاری	(تبیین کردن)
۱۳	يَغْلُظُ كَلْمُهَا وَ يَخْشَنُ مَسْتَهَا وَ يَكْتُرُ الْعَارُ فِيهَا وَ الْإِعْتِدَارُ مِنْهَا (زیرا که عمر) سخنش تند و ملاقات با او رنج‌آور و اشتباهش زیاد و عذرخواهی‌اش بسیار بود.	اظهاری	(شرح دادن)
۱۴	فَمَنْبَى النَّاسِ - - بِحَيْطٍ وَ شِمَاسٍ وَ	اظهاری	(شرح دادن یا گزارش دادن)

		تَلَوْنَ وَ اعْتَرَاضُ (مردم در «حکومت عمر»، در ناراحتی و رنج مهمی گرفتار آمده بودند و دچار دورویی و اعتراض شدند)	
۱۵	تهدی	- لَعْمُرُ اللَّهِ - (سوگند به خدا)	(سوگند خوردن)
۱۶	اظهاری / عاطفی	فَصَبَّرْتُ عَلَى طُولِ الْمُدَّةِ وَ شِدَّةِ الْمِحْنَةِ (ولی من در تمام این مدت صبر کردم و با سختی و غم همراه بودم)	(بیان کردن) / (احساس ناراحتی داشتن)
۱۷	اظهاری	لَكِنِّي اسْفَقْتُ إِذْ اسْفُؤَا وَ طَرْتُ إِذْ طَارُوا (اما من کوتاه آمدم و با آنان هماهنگ گردیدم)	(تسین کردن) / مفهوم عبارت: (باز هم صبر کردم)
۱۸	اظهاری	قَامَ ثَالِثُ الْقَوْمِ تا این که سومی یعنی عثمان بن عفان به خلافت برخاست	(بیان کردن یا گزارش دادن)
۱۹	اظهاری	نَافِحًا حِضْنِيهِ بَيْنَ تَبِيلِهِ وَ مَعْتَلِفِهِ (در حالی که شکم و دو پهلویش باد کرده بود و جز خالی کردن و خوردن کاری نداشت)	(شرح دادن)
۲۰	اظهاری	وَ قَامَ مَعَهُ بَنُو أَبِيهِ يَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ خِضْمَةَ الْإِبِلِ نَيْتَةَ الرَّبِيعِ (افراد قبیله و پسران پدرش مانند شتری که گیاهان تر و تازه بهاری را می‌خورد بیت‌المال را از بین بردند)	(گزارش دادن)
۲۱	اظهاری	فَمَا رَاعِنِي إِلَّا وَ النَّاسُ كَعْرَفِ الضَّيْعِ إِلَيَّ يَنْتَالُونَ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ (ناگهان دیدم که مردم از هر سوی روی به من نهاده‌اند و مانند موی گردن کفتار از هر طرف به دورم ریخته‌اند)	(شرح دادن)
۲۲	اعلامی	فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ (هنگامی که زمام امور را به دست گرفتم)	(به کار گمارده شدن)
۲۳	اظهاری	نَكَنْتُ طَائِفَةً وَ مَرَقْتُ أُخْرَى وَ قَسَطَ آخَرُونَ (جمعی پیمان‌شکنی کردند و گروهی از دین بیرون رفتند و عده‌ای هم با ستمکاری دلم را آزرده‌اند)	(شرح دادن)
۲۴	اظهاری	تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (این سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواهان برتری و فساد نیستند و عاقبت خوش برای پرهیزکاران است)	(تفسیر کردن)
۲۵	اظهاری	يَلَى (آری) (تأیید می‌کنم)	(تأیید کردن گوینده)
۲۶	تهدی	وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ (سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را پدید آورد) ^۱	(قسم خوردن)

براساس موارد ذکر شده و مشخص شدن کنش‌های گفتاری پاره‌گفتارهای خطبه، می‌توان نمودار ذیل را استخراج و استنباط کرد که فراوانی کنش‌های مختلف گفتاری را به آمار و به تفکیک نشان می‌دهد. نکته قابل ذکر آن که جدول فوق به ۲۶ مورد از پاره‌گفتارهای خطبه اشاره و کنش گفتاری آن‌ها را

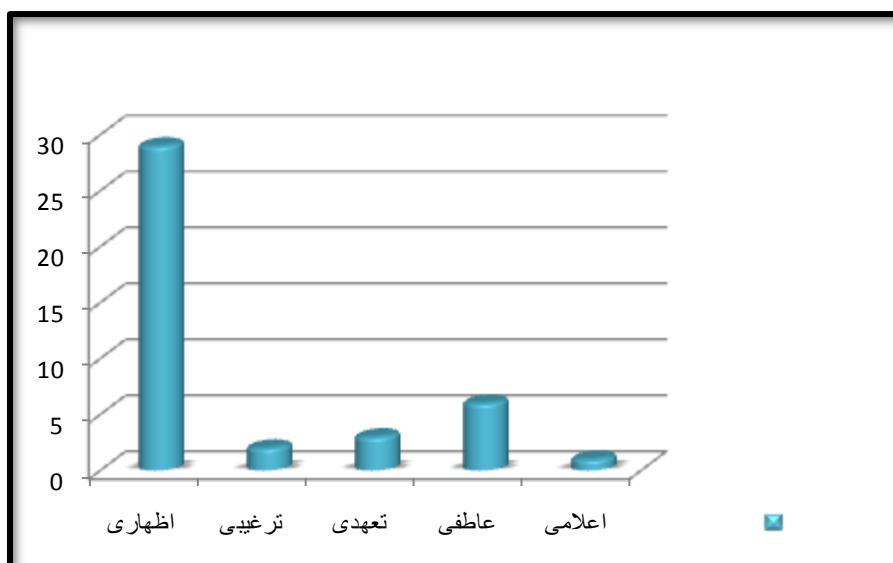
۱- در بسیاری از برگردانها از ترجمه نهج‌البلاغه «دستی» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۳: ۴۹-۴۵) و «علی شیروانی» استفاده شده است (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۱: ۴۶-۵۰).

مشخص نمود، با در نظر گرفتن این جدول (۱) و انضمام عبارتهای مذکور پیش از این جدول به آن، براساس آمارگیری از پاره گفتارهای خطبه موارد زیر به دست می آید:

جدول ۲: فراوانی کنش‌های گفتاری پاره‌گفتارهای خطبه

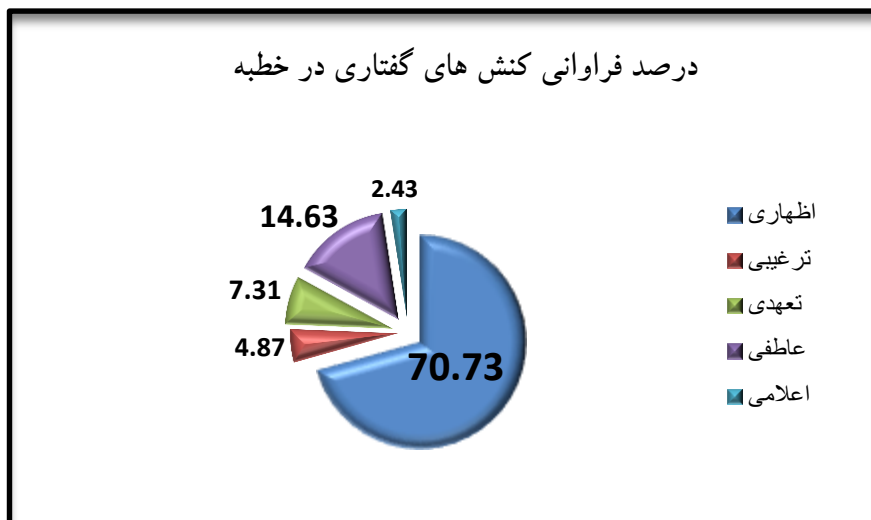
درصد	تعداد	فراوانی نوع کنش
۷۰٫۷۳	۲۹	اظهاری
۴٫۸۷	۲	ترغیبی
۷٫۳۱	۳	تعهدی
۱۴٫۶۳	۶	عاطفی
۲٫۴۳	۱	اعلامی
۱۰۰	۴۱	جمع کل

در نگاهی دیگر، می‌توان آن را به صورت زیر به نمایش گذارد:



نمودار ۱: مقایسه فراوانی کنش‌های مختلف گفتاری در خطبه

۱. بدیهی است جمع کل واقعی پاره‌گفتارهای مورد بررسی قرار گرفته به ۳۸ مورد می‌رسد، اما بنابراین که برخی از عبارتها حامل دو نوع کنش در کنار یکدیگر بوده است، بار دیگر آن عبارت برای تبیین کنش دیگر آن در شمارش کل به‌شمار آمده است لذا در مجموع ۴۱ پاره‌گفتار مشاهده می‌شود.



نمودار ۲: مقایسه درصد فراوانی کنش‌های مختلف گفتاری در خطبه

نتیجه‌گیری

۱. با توجه به پرسش اول مبنی بر این‌که متن خطبه «شقیقه»ی امیرمؤمنان به‌عنوان یک گفتمان، براساس نظریه کنش گفتاری سرل چگونه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد؟ باید اذعان داشت زبان‌شناسی و کاربردشناسی زبان و نظریه‌های مطرح در آن از جمله نظریه کنش گفتاری، می‌تواند در معناشناسی و تحلیل گفتمان زبانی متون دینی همچون نهج‌البلاغه به‌عنوان یک گفتمان دینی و مذهبی، چشم‌اندازهای نوینی را فراروی ما قرار دهد. به همین منظور یکی از خطبه‌های مهم نهج‌البلاغه به نام شقیقه که به ماجرای تاریخی سقیفه اشاره دارد به‌عنوان نمونه انتخاب شد تا براساس این نظریه مورد تحلیل قرار گیرد. نکته قابل توجه آن‌که در این نظریه مبنای تحلیل و بررسی پاره‌گفتار بوده است، حال آن‌که پاره‌گفتار می‌تواند عبارت‌هایی چند، یک عبارت و یا یک واژه باشد. واکاوی پاره‌گفتارهای این خطبه به‌عنوان نمونه‌ای از کلام امیرسخن علی(ع) در کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه، آن هم براساس طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل، یافته‌هایی را برجای نهاده است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد.

۲. در رابطه با پرسش دوم مبنی بر اینکه در کدام‌یک از انواع کنش‌های گفتاری در آن از فراوانی بیشتر برخوردار است؟ گفتنی است از مجموع ۴۱ پاره‌گفتار دسته‌بندی‌شده در خطبه، ۲۹ مورد آن حامل کنش گفتاری اظهاری بوده است. به‌عبارت‌دیگر ۷۰/۷۳ درصد از کل کنش گفتاری را به خود اختصاص داده که این مطلب حاکی از آن است که پرسامدترین کنش گفتاری مطرح در خطبه شقیقه کنش اظهاری است. دومین کنشی که از بسامد بالاتری در خطبه برخوردار است کنش عاطفی است؛

به طوری که ۱۴/۶۳ درصد از مجموع کل پاره‌گفتارها را شامل می‌شود. کنش گفتاری تعهدی با فراوانی ۳ و ۷/۳۱ درصد، کنش گفتاری ترغیبی با فراوانی ۲ و ۴/۸۷ درصد و پس از آن کنش گفتاری اعلامی با فراوانی ۱ مورد و ۲/۴۳ درصد، کمترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند.

۳. دلایل بسامد بالا یا پایین کنش‌های گفتاری در سطح خطبه کدام است و تا چه حد با روح خطبه همخوانی دارد؟ در رابطه با پرسش مهم سوم نیز می‌توان این‌گونه بیان کرد نکته قابل تأملی که در باب کنش گفتاری قابل ذکر می‌باشد آن که از آن جایی که قصد و هدف حضرت در کل خطبه، بیان کردن، شرح و گزارش دادن ماجرای تاریخی سقیفه بوده و سخت مدعی آن است که حکومت شایستگی ایشان بوده، اما غصب شده است و بیان، شرح، گزارش و ادعا جزءای از کنش اظهار می‌باشد، بنابراین کنش گفتاری اظهاری با هدف و مقصود امام متناسب و همگون است و بدیهی می‌نماید که بیشترین بسامد را دارا باشد که از لحاظ فراوانی تفاوت قابل ملاحظه‌ای نسبت به سایر کنش‌های گفتاری دارد؛ اما در خصوص دیگر کنش‌ها باید اذعان داشت که با عنایت به این که اظهار تأسف، حزن و تحسر حضرت را از وضعیت رقم‌خورده در ماجرای سقیفه، می‌توان به‌طور مستقیم در پاره‌ای از عبارت‌ها و پاره‌گفتارهای متن درک نمود، لذا کنش عاطفی در سطح خطبه نسبت به کنش‌های گفتاری دیگر و پس از کنش گفتاری اظهاری از بیشترین بسامد برخوردار است. البته شایان ذکر است که با نگاهی کلی به متن تبلور عاطفه حضرت کاملاً مشخص و مشهود می‌باشد و برخی از عبارات به‌طور ضمنی بعد عاطفی دارند و به‌نوعی این خطبه بازتاب‌دهنده عواطف حضرت نسبت به غصب حق ایشان توسط این سه فرد است. در پرتو همین مسأله است که در پایان می‌فرماید «تلك شقشقة هدرت ثم قرت» یعنی آتش درونی بود که شعله‌ور شد و سپس فرو نشست؛ بنابراین پربسامد بودن کنش گفتاری عاطفی نیز قابل توجیه بوده و با روح کلی خطبه هماهنگ است. کنش تعهدی نیز غالباً در سوگندهایی حضرت قابل ملاحظه است. کنش ترغیبی نیز که غالباً گوینده برای جلب نظر مخاطب به سخن خود، از آن استفاده می‌کند دارای بسامد کمی است؛ اما در رابطه با کنش اعلامی ذکر این نکته لازم می‌نماید که هر چند در پاره‌ای از عبارات انتصاب و به‌کار گمارده شدن سه خلیفه اول، دوم و سوم مطرح شده و به‌کار گماردن جزء کنش اعلامی است اما گوینده کلام تنها گزارشی از این امور می‌دهد - یعنی کنش این موارد اظهاری است و نه اعلامی - و نه این که خود این کار را انجام داده باشد یا در مورد وی رخ داده باشد. فرجام سخن آن که در تعیین کنش‌های گفتاری مهم آن است که این نظریه از منظر گوینده به متن نگاه می‌کند یعنی به بیانی می‌توان گفت گوینده محور است لذا در تعیین کنش گفتاری باید آن را در نظر داشت. بدین ترتیب علی(ع) در این خطبه، تنها در یک مورد به، به‌کار گمارده شدن خود اشاره دارد که کنش آن هم اعلامی است از این‌رو، این کنش کمترین بسامد را داراست.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۲). *فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*. تهران: نشر علمی.
- آلام، کر. (۱۳۸۲). *نشانه‌شناسی تئاتر و درام*. ترجمه فرزان سجودی. تهران: قطره.
- پایا، علی. (۱۳۸۳). *فلسفه تحلیلی؛ مسائل و چشم‌اندازها*. چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- حسینی معصوم، سید محمد و رادمرد، عبدالله. (۱۳۹۴). «تأثیر یافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم». *دوماهنامه جستارهای زبانی*. دوره ۶ شماره ۳ (پیاپی ۲۴)، ۶۵-۹۲.
- دشتی، علی. (۱۳۸۶). *ترجمه نهج البلاغه*. چاپ اول، قم: ظهور.
- زرقانی، سید مهدی و اخلاقی، الهام. (۱۳۹۱). «تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریه کنش گفتار». *دوفصلنامه علمی - پژوهشی ادبیات عرفانی*. شماره ۶، ۸۰-۶۱.
- سرل، جان. (۱۳۸۵). *افعال گفتاری*. ترجمه علی عبداللهی. چاپ ۱. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شیروانی، علی. (۱۳۸۱). *ترجمه نهج البلاغه*. چاپ اول، قم: دارالعلم.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۷). *درآمدی بر معناشناسی*. چاپ ۳، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- طالقانی، محمود. (۱۳۷۴). *پرتویی از نهج البلاغه*. تصحیح سید محمدمهدی جعفری. چاپ ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). «درآمدی بر سخن کاوی». *مجله زبان‌شناسی*. سال نهم. شماره اول، ۳۹-۹.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵). *پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه*. چاپ ۱، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- هاشمی‌خویی، میرزا حبیب‌الله. (۱۳۵۸). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، تصحیح سید ابراهیم میانجی، چاپ ۴. تهران: المكتبة الإسلامية.
- Botha, J. E. (1991). "Speech Act Theory and New Testament Exegesis". HTS, 47/2.
- Buss, M. J. (1988). "Potential and Actual Interactions between Speech Act Theory and Biblical Studies". Semeia, Italy.
- Crystal, D. (1985). *A dictionary of Linguistics and Phonetics*, Basil Blackwell Ltd, New York.
- Maingueneau, D. (1996). *Les termes de l'analyse du discours*, Paris, Seuil.
- Levinson, S. C. (1983). *Pragmatics*, Cambridge, Cambridge University press.
- Searle, J. R. (1975). "A taxonomy of illocutionary acts", Language and Knowledge, Minneapolis: University of Minneapolis Press.
- Searle, J. R. (1983). *Intentionality*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Searle, J. R. (1999). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*, New York and Melbourne: Cambridge University Press.

- Patte, D. (1988). “**Speech Act Theory and Biblical Exegesis**”. Semeia, Italy.
- Verschueren, J. (2003). **Understanding Pragmatics**. Arnold: London.
- Wodak, R. (2001). “The discourse -historical approach”, **In Methods of critical discourse analysis**, (Ed.), by R. Wodak and M. Meyer, SAGE publications Ltd, London.
- Yule, G. (1996). **Pragmatics**. Oxford university press. New York.